

فصل سوم

جنائز

تلقین محتضر:

هرگاه کسی از مسلمانان در حالت احتضار قرار گرفت بر نزدیکانش مستحب است که کلمه شهاده را به او تلقین کنند :

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود : **(لِقنوا موتاكم لا إله إلا الله)** [615] «به کسانی که در حال احتضار هستند لا إله إلا الله را تلقین کنید».

امر پیامبر r به تلقین، به این امید است که آخرین سخن محتضر لا إله إلا الله باشد. از معاذبن جبل روایت است : پیامبر r فرمود : **(من كان آخر كلامه لا إله إلا الله دخل الجنة)** [616] «کسی که آخرین سخنش لا إله إلا الله باشد، داخل بهشت می‌شود».

و چون روحش تسلیم شد بر بازماندگانش رعایت موارد زیر لازم است :

1 و 2 چشمهای میت را ببندند و برای او دعا کنند :

از ام سلمه روایت است : پیامبر r بر ابوسلمه وارد شد در حالی که چشمهایش باز بود، پیامبر r چشمهای ابوسلمه را بست و فرمود : **(إن الروح إذا قبض تبعه البصر)** «وقتی که روح قبض شود، چشم آنرا دنبال می‌کند برخی از نزدیکانش شیون و گریه کردند، پیامبر r فرمود : **(لا تدعوا على أنفسكم إلا بخير، فإن الملائكة يؤمنون على ما تقولون)** «دعای خیر برای خودتان کنید، چون ملائکه بر آنچه می‌گویید آمین می‌گویند» سپس فرمود : **(اللهم اغفر لإبي سلمة، و ارفع درجته في المهديين، و اخلفه في عقبه في الغابرين، و اغفر لنا و له يا رب العالمين، و افسح له في قبره، و نور له فيه)** [617] «پروردگارا! گناهان ابو سلمه را بیامرز و مقام او را در میان هدایت یافتگان رفیع فرما و از فرزندانش جانشینی برای او در میان بازماندگان قرار بده، ای پروردگار عالیمان! گناهان ما و او را بیامرز و قبرش را گشاد و فراخ و نورانی فرما».

3- پوشاندن او با پارچه‌ای که تمام بدنش را فرا گیرد :

از عایشه روایت است : **(أن رسول الله r حين توفي سجي ببرد حبرة)** [618] «وقتی پیامبر r فوت کرد با پارچه‌ای خطدار یمانی پوشانده شد».

4- عجله برای تجهیز و خارج کردن آن برای دفن :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: (أسرعوا بالجنابة فإن تك صالحة فخير تقدمونها عليه، وإن تكن غير ذلك فشر تضعونه عن رقابكم) [619] «در تجهیز و دفن جنازه عجله کنید؛ چون اگر (جنازه) انسانی صالح باشد، خیری را به او می‌رسانید، در غیر اینصورت شری است که از گردنتان پائین می‌گذارد».

5- بعضی از نزدیکان میت باید فوراً اقدام به پرداخت دیون میت از داراییهایش نمایند اگرچه قرض تمام مالش را فرا گیرد :

از جابر بن عبدالله روایت است: (مات رجل، فغسلناه و كفناه و حنطناه، و وضعناه لرسول الله r حيث توضع الجنائز، عند مقام جبرئيل ثم أدنا رسول الله r بالصلاة عليه فجاء معنا خطي، ثم قال: لعل على صاحبكم ديننا، قالوا: نعم ديناران، فتخلف، فقال له رجل منا يقال له أبو قتادة: يا رسول الله هما على فجعل رسول الله r يقول: هما عليك و في مالك و الميت منهما بري، فقال نعم فصلي عليه، فجعل رسول الله r إذا لقي أبا قتادة يقول: ما صنعت الديناران؟ حتى كان آخر ذلك قال: قد قضيتهما يا رسول الله، قال: الآن حين بردت عليه جلده) [620]. «مردی فوت کرد، او را غسل داده و کفن کردیم و بوی خوش به او زدیم و آنرا برای پیامبر r در محل مخصوص جنازه نزد مقام جبرئیل قرار دادیم. پیامبر r را برای خواندن نماز خبر کردیم چند قدمی با ما آمد، سپس فرمود: شاید دوست شما دینی بر گردن داشته باشد، گفتند: بله، دو دینار بدهکار است، پیامبر r برگشت، مردی از ما که به او ابوقتاده گفته می‌شد به او گفت: ای رسول خدا! پرداخت آن دو دینار بر عهده من، پیامبر r چند مرتبه فرمود: آیا آن دو دینار بر عهده توست و از مال تو پرداخت می‌شود و میت از آن بری است؟ گفت بله، سپس بر او نماز خواند، بعد از آن پیامبر r هر وقت ابوقتاده را می‌دید، می‌فرمود: با آن دو دینار چه کردی؟ بعد از مدتی (ابوقتاده) گفت: ای رسول خدا آنها را پرداخت کردم، پیامبر r فرمود: الان عذاب از او برداشته شد».

فهرست

آنچه برای حاضرین بر جنازه و غیر آنان جایز است:

برای آنان جایز است که پرده از صورت او بردارند و او را ببوسند و سه روز بر او گریه کنند: از عایشه روایت است: (أن النبي r دخل على عثمان بن مظعون و هو ميت، فكشف عن وجهه، ثم أكب عليه فقبله، و بكى، حتى رأيت الدموع تسيل على وجنتيه) [621] «عثمان بن مظعون فوت کرده بود. پیامبر r بر او وارد شد، پارچه صورتش را برداشت و بر او خم شد و او را بوسید و گریست بطوریکه دیدم اشک بر گونه‌هاش جاری شد».

از عبدالله بن جعفر روایت است: (أن النبي r أمهل آل جعفر ثلاثاً أن يأتهم، ثم أتاهم فقال: لا تبكوا على أخي بعد اليوم...) [622] «پیامبر r بعد از فوت جعفر، سه روز به اهل بیت او مهلت داد و نزد آنان نرفت، سپس نزد آنان رفت و فرمود: از امروز به بعد بر بردارم گریه نکنید».

آنچه بر بازماندگان میت واجب است

وقتی خبر مرگ کسی می‌رسد، دو چیز بر بازماندگان وی واجب است :

1- صبر و راضی بودن به تقدیر، چراکه خداوند متعال می‌فرماید :

(وَنَبَلُّونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ
وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ،
أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ) (بقره : 155-
157)

«و قطعاً شما را با برخی از (امور همچون) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و مژده بده به بردباران، آن کسانی که وقتی بلائی بدانان می‌رسد، می‌گویند : ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم، آنان الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حالشان می‌گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان‌اند».

از انس بن مالک روایت است : پیامبر r از کنار زنی که در کنار قبری گریه می‌کرد، عبور کرد و به او فرمود : (إتقى الله و اصبري) «تقوای خدا را پیشه کن و صبر کن» (آن زن) گفت : از من دور شو، که به مصیبتی مانند مصیبت من گرفتار نشده‌ای انس گفت : آن زن، پیامبر را نشناخت، به آن زن گفتند این رسول خدا است، گویا که او را مرگ فرا گرفت، به در خانه رسول الله r رفت و دربان و حاجبی نیافت. گفت ای رسول خدا من تو را نشناختم. پیامبر r فرمود : (إن الصبر عند أول الصدمة)^[623] «صبر باید در ابتدای وارد آمدن مصیبت باشد».

صبر بر وفات فرزندان پاداش زیادی دارد

از ابوسعید خدری روایت است : زنان به پیامبر r گفتند روزی بر ما مقرر کن (جهت موعظه)، پیامبر r برای آنها موعظه کرد و فرمود : (أیما امرأة مات لها ثلاثة من الولد كانوا لها حجاباً من النار، قالت امرأة، واثان؟ قال : واثان) «هر زنی که سه تا از فرزندان را از دست بدهد، (فوت فرزندان) برای او مانع آتش جهنم می‌شوند، زنی گفت : دو فرزندهم؟ پیامبر r فرمود : دو فرزند هم».^[624]

فهرست

دوم : آنچه بر نزدیکانش واجب است

استرجاع :

استرجاع این است که شخص بگوید : **إنا لله و إنا اليه راجعون**، همچنانکه در آیه آمد و بعد از آن بگوید : **(اللهم أجرني في مصيبتی و اخلص لي خيرا منها)** «خداوندا! مرا در این مصیبت مأجور بگردان و بهتر از آنرا برایم جایگزین بفرما».

ام سلمه^r روایت می‌کند : از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود : هر مسلمانی هنگام گرفتار شدن به مصیبتی چیزی را بگوید که خدا به آن امر کرده است : **(إنا لله و إنا اليه راجعون اللهم أجرني في مصيبتی و اخلص لي خيرا منها)**، «خداوند چیزی بهتر از آن را برای او جایگزین می‌کند، (ام سلمه) گفت : هنگامی که ابوسلمه فوت کرد، گفتم کدامیک از مسلمانان از ابوسلمه بهتر هستند، خانواده او اولین خانواده‌ای بود که به سوی پیامبر^r هجرت کرد؟ سپس گفتم : **اللهم أجرني في مصيبتی و اخلص لي خيرا منها**، و خداوند پیامبر^r را به جای ابوسلمه به من داد».^[625]

فهرست

آنچه بر بازماندگان میت حرام است:

1- شیون و نوحه:

از ابومالک اشعری روایت است که پیامبر^r فرمود : **(أربع في أمتي من أمور الجاهلية لا يتركونها : الفخر في الأحساب، والطعن في الأنساب، و الاستسقاء بالنجوم، و النياحة)** «چهار چیز در امت من از امور جاهلی هستند که از آن دست بر نمی‌دارند، افتخار به نیاکان، طعن در نسب، طلب باران با ستارگان، و نوحه‌خوانی» و فرمود : **(النحاحة إذا لم تتب قبل موتها تقام يوم القيامة و عليها سربال من قطران و درع من جرب)**^[626] «اگر زن نوحه‌خوان قبل از مرگش توبه نکند روز قیامت زنده می‌شود در حالیکه پیراهنی آغشته به روغن (قیرمانند) و زره‌ای از زنگار بر تن دارد».

2 و 3- زدن به گونه‌ها و پاره کردن گریبان:

از عبدالله روایت است که پیامبر^r فرمود : **(ليس منا من لطم الخدود، و شق الجيوب، و دعا بدعوى الجاهلية)**^[627] «از ما نیست کسی که بر گونه‌هایش بزند و گریبانش را پاره کند و شیون و زاری جاهلانه سر دهد».

4- کندن مو:

از ابودبرده بن ابوموسی روایت است : **(و جع أبوموسی وجعا فغشى عليه، و رأسه في حجر امرأة من أهله، فصاحت امرأة من أهله، فلم يستطع أن يرد عليها شيئا فلما أفاق قال : أنا بري ممن بري منه رسول الله^r، فإن رسول الله^r بري من الصالقة و الحالقة و الشاقة)**^[628] «ابوموسی دچار بیماری شدیدی شد و بیهوش شد در حالی که سرش در آغوش زنی از اهلس بود، زن فریاد کشید، (ابوموسی) نتوانست جوابش دهد، وقتی به هوش آمد، گفت : من بیزارم از کسی که رسول خدا^r از او اظهار بیزارى کرده است.

پیامبر r بزار است از کسی که با صدای بلند گریه کند و کسی که هنگام مصیبت، موی سرش را بتراشد، و کسی که لباسش را چاک کند».

5- ژولیده کردن مو :

به دلیل حدیثی که یکی از زنان بیعت کننده (در بیعت عقبه) روایت کرده و گفته است : (كان فيما أخذ علينا رسول الله r في المعروف الذي أخذ علينا أن لنعصيه فيه : و أن لانخمش وجها، و لاندعو بويل، و لانشق جيبا، و أن لاننشر شعرا)^[629] «از کارهای خوبی که پیامبر r از ما برآن عهده گرفت تا از آن سرپیچی نکنیم این بود که هنگام مصیبت صورتمان را نخرشیم، و وایلا نگوئیم، و گریبان چاک نکنیم، و موهایمان را ژولیده رها نکنیم».

فهرست

آنچه برای میت واجب است:

انجام چهار چیز بر بازماندگان میت و غیر در حق او واجب است : غسل، تکفین، نماز، تدفین.

اولاً- غسل:

و جوب غسل میت از احادیث زیر که پیامبر r به آن امر فرموده، گرفته شده است :

1- پیامبر r درباره شخصی که احرام بسته بود و از مرکبش بر زمین افتاد و فوت کرد فرمود : (واغسلوه بماء و سدر ...) ^[630] او را با آب و سدر غسل دهید...».

2- پیامبر r پس از فوت دخترش زینب (رض) فرمود :

(اغسلنها ثلاثا أو خمسا أو سبعا...) ^[631] «او را سه یا پنج یا هفت بار غسل دهید...».

فهرست

چگونگی غسل:

از ام عطیه روایت است : پیامبر r هنگام غسل دخترش به آنان فرمود : (ابدأن بميامنها و مواضع الوضوء منها) ^[632] «از طرف راست بدن و اعضای وضوی او شروع کنید».

همچنین از ام عطیه روایت است : در حال شستن دختر پیامبر r بودیم که پیامبر زند ما آمد و فرمود : (اغسلنها ثلاثا أو خمسا أو أكثر من ذلك إن رأيتن ذلك، بماء و سدر، و اجعلن في الآخرة كافورا أو شيئا من كافور، فإذا فرغتن فاذنني، فلما فرغنا آذناه فألقى إلينا حقوه*)، فقال : أشعرنها إياه (***) ^[633] (او را با آب و سدر سه بار یا پنج بار یا بیشتر

از آن اگر لازم دانستید، بشوید، و آخرین بار او را با کافور یا چیزی از کافور بشوئید، و وقتی که تمام شدید، مرا صدا بزنید، وقتی تمام شدیم، او را صدا زدیم، ازارش را به ما داد و فرمود: با این پارچه او را بپوشانید بطوریکه این پارچه اولین پوشش او باشد».

همچنین از او روایت است: (فضرنا شعرها ثلاثة أثلاث قرنيها و ناصيتها) [634] «موی سرش را در دو طرف سر و پیشانی اش سه قسمت کردیم و بافتیم».

همچنین از او روایت است: (فضرنا شعرها ثلاثة قرون و ألقيناها خلفها) [635] «موی سرش را در سه دسته بافتیم و آنرا در پشت سرش قرار دادیم».

فهرست

چه کسی غسل را بر عهده گیرد؟

کسی که از همه بهتر سنتهای غسل را می‌داند، غسل میت را بعهده گیرد؛ و اگر از خانواده و نزدیکانش باشد بهتر است. چون کسانی که عهده‌دار غسل پیامبر شدند از خانواده ایشان بودند:

از علی روایت است: (غسلت رسول الله ف جعلت أنظر ما يكون من الميت فلم أر شيئا، و كان طيبا حيا و ميتا) [636] «پیامبر را شستم، نگاه کردم آیا چیزی که از میت خارج می‌شود، دیده می‌شود، چیزی را ندیدم، او در حال حیات و مرگش پاک و خوشبو بود».

لازم است که غسل مذکر را مردان و غسل مؤنث را زنان بر عهده گیرند، ولی زن و شوهر از این قاعده مستثنی هستند و هر کدام از آنها می‌تواند دیگری را غسل دهد:

از عایشه روایت است: (لو كنت استقبلت من أمري ما استبريت ما غسل النبي غير نسائه) [637] «اگر آنچه را الان می‌دانم قبلا می‌دانستم، پیامبر را کسی جز زنانش نمی‌شست».

همچنین از عایشه (رض) روایت شده که گفت: (رجع إلى رسول الله من جنازة بالبقيع، و أنا أجد صدا عا في رأسي و أقول: و أرا ساه فقال: بل أنا و أرا ساه، ما ضرک لو مت قبلي فغسلتک و کفنتک ثم صليت عليك و دفنتک) [638] «پیامبر بعد از به خاک سپاری جنازه‌ای در بقیع، نزد من بازگشت، در حالی که سردرد شدیدی داشتم و می‌گفتم: وای سرم، پیامبر فرمود: بلکه من «وای سرم». تو را چه زیان رسد اگر قبل از من بمیری، من تو را بشویم و کفن کنم و سپس بر تو نماز بخوانم و تو را به خاک بسپارم؟».

تذکر- غسل دادن شهید میدان جنگ مشروع نیست:

از جابر روایت است که پیامبر فرمود: (ادفونهم فی دمائهم - یعنی یوم أحد و لم یغسلهم) [639] «آنها را با خونشان دفن کنید - یعنی روز جنگ أحد - و آنها را نشست».

دوم : کفن کردن

و جوب آن به این دلیل است که پیامبر r در مورد شخص مُحرمی که شتر گردنش را شکست (و مرد)، فرمود : (اغسلوه بماء و سدر، و کفنوه فی ثوبین...) [640] «او را با آب و سدر بشویید و در دو پارچه کفن کنید».

کفن یا قیمت آن از مال میت گرفته می‌شود اگرچه غیر از آن مالی به جای نگذاشته باشد :

به دلیل حدیث خباب بن اُرت : (هاجرنا مع النبی r نلتمس وجه الله، فوقع أجرنا علی الله، فمننا من مات لم يأكل من أجره شيئاً، فمنهم مصعب بن عمیر، و منا من أينعت له ثمرته فهو يهدبها. قتل يوم أحد فلم نجد ما نكفنه إلا بردة إذا غطينا بها رأسه خرجت رجلاه، و إذا غطينا رجلیه خرج رأسه، فأمرنا النبی r أن نغطي رأسه و أن نجعل علی رجلیه من الإذخر) [641] «با پیامبر r به خاطر الله هجرت کردیم، پاداش ما با خداست، بعضی از ما از جمله مصعب بن عمیر فوت کردند و چیزی از غنائم جنگی دریافت ننمودند و بعضی از ما میوه‌اش رسید و آنرا چید (پاداش خود را از غنائم دریافت کرد) مصعب که روز جنگ أحد کشته شد، چیزی برای کفن او غیر از چادری که اگر سرش را می‌پوشانیم پاهایش را نمی‌گرفت، و اگر پاهایش را می‌پوشانیم سرش را نمی‌گرفت نیافتیم. پیامبر r به ما امر کرد که سرش را پوشانده و روی پاهایش را با اذخر (نوعی گیاه خوشبو) بپوشانیم».

حداقل مقدار لازم برای کفن، پارچه‌ای است که تمام بدن را بپوشاند، و اگر تنها تکه پارچه کوتاهی در دسترس باشد که برای تمام بدن کافی نباشد، در این صورت سر میت با کفن و پاهایش با اذخر پوشانده شود، همانطور که در حدیث خباب گذشت.

مستحبات کفن:

1- رنگ سفید: دلیل فرموده پیامبر r : (البسوا من ثيابكم البياض، فإنها خير ثيابكم و کفنوا فیها) [642] «لباس سفید بپوشید که بهترین لباس‌هایتان است و با پارچه سفید (مرده‌هایتان) را کفن کنید».

2- باید سه پارچه باشد: به دلیل حدیث عایشه که فرمود : (أن رسول الله r کفن فی ثلاثة أثواب یمانية بیض سحولية من کرسف لیس فیها قمیص و لاعمامة) [643] «پیامبر r در سه تکه پارچه یمنی سفید سحولی (لباسی که از یمن به مدینه برده می‌شد) از جنس پنبه که در آنها پیراهن و عمامه نبود کفن کرده شد».

3- اگر امکان داشت یکی از پارچه‌ها حبره (نوعی برد یمنی خطدار) باشد : به دلیل حدیث جابر که از پیامبر r روایت کرده است : (إذا توفی أحدکم فوجد شیئاً فلیکفن فی ثوب

حبرة^[644] «هرگاه یکی از شما فوت کرد و مالی داشت در صورت امکان در یک لباس خطدار کفن شود».

فهرست

سوم- نماز میت:

نماز خواندن بر جنازه مسلمان فرض کفایه است؛ چون پیامبر^r در چندین حدیث به آن امر فرموده است :

از زید بن خالد جهنی روایت است : (أن رجلا من أصحاب النبي^r توفي يوم خيبر، فذكروا ذلك لرسول الله^r فقال : صلوا على صاحبكم، فتغيرت وجوه الناس لذلك، فقال : إن صاحبكم غل في سبيل الله، ففتشنا متاعه فوجدنا خرزا من خرز اليهود لايساوي درهمين)^[645] «مردی از اصحاب پیامبر^r روز خیبر فوت کرد. جریان را برای پیامبر^r بازگو کردند، فرمود : بر دوستان نماز بخوانید با این سخن چهره مردم تغییر کرد^(*) پیامبر^r فرمود : دوست شما خیانت کرده و به ناحق از غنیمت برداشته است، وسایلش را بازدید کردیم، مهره‌های از مهره‌های یهود پیدا کردیم که دو درهم ارزش نداشت».

از آنچه گفتیم دو گروه استثناء می‌شوند و نماز بر آنها واجب نیست:

1- **کودک نابالغ** : از عایشه (رض) روایت است : (مات إبراهيم بن النبي^r و هو ابن ثمانية عشر شهرا، فلم يصل عليه رسول الله^r)^[646] «ابراهیم پسر پیامبر^r در هجده ماهگی فوت کرد، پیامبر^r بر او نماز نخواند».

2- **شهید** : از انس روایت است : (أن شهداء أحد لم يغسلوا، و دفنوا بدمائهم، و لم يصل عليهم)^[647] «شهدای احد غسل داده نشدند و با خونهایشان دفن شدند و بر آنها نماز خوانده نشد».

اما عدم وجوب نماز، جواز نماز بر آن دو گروه را نفی نمی‌کند :

از عایشه روایت است : (أتى رسول الله^r بصبي من صبيان الأنصار، فصلى عليه)^[648] «کودکی از کودکان انصار نزد پیامبر^r آورده شد و بر او نماز خواند».

از عبدالله بن زبیر روایت است : (أن رسول الله^r أمر يوم أحد بحمزة فسجى ببردة، ثم صلى عليه فكبر تسع تكبيرات، ثم أتى بالقتلى يصفون، و يصلى عليهم، و عليه معهم)^[649] «پیامبر^r روز احد دستور داد تا حمزه را با پارچه‌ای ببوشانند و بر او نماز خواند و نه تکبیر گفت، سپس کشته‌شدگان (دیگر) را آوردند و آنها را در چند صف قرار دادند و پیامبر^r بر آنان و بر حمزه به همراه آنان نماز خواند».

فهرست

هرچه تعداد نمازگزاران بر جنازه بیشتر باشد، بهتر است:

پیامبر r فرمودند: (ما من میت تصلى عليه أمة من المسلمين يبلغون مائة كلهم يشفعون له إلا شفعوا فيه)^[650] «هیچ میتی نیست که جماعتی صدنفره بر او نماز بخوانند و دعا کنند، مگر اینکه خداوند دعای آنانرا اجابت می‌کند».

در حدیثی دیگر فرموده است: (ما من رجل مسلم يموت، فيقوم على جنازته أربعون رجلاً لا يشركون بالله شيئاً إلا شفّعهم الله فيه)^[651] «هر مسلمانی بمیرد و چهل نفر که بر خدا شرک نکرده، بر جنازه او نماز بخوانند، حتماً خداوند دعای آنها را (درباره او) اجابت می‌کند».

مستحب است پشت سر امام سه صف تشکیل شود اگرچه تعدادشان کم باشد:

از مرثد یزنی از مالک بن هبیره روایت است که پیامبر r فرمود: (ما من میت يموت فيصلى عليه ثلاثة صفوف من المسلمين إلا أوجب. قال: فكان مالك إذا استقل أهل الجنازة جزاهم ثلاثة صفوف، للحدیث)^[652] «هیچ میتی نیست که سه صف از مسلمانان بر او نماز بخوانند، مگر اینکه خداوند دعای آنانرا اجابت می‌کند» (مرثد یزنی) گوید: هر وقت مالک می‌دید تعداد نمازگزاران بر جنازه کم است باز هم آنانرا به دلیل این حدیث در سه صف قرار می‌داد.

اگر در یک زمان چندین جنازه زن و مرد وجود داشته باشد:

اصل این است که بر هر جنازه‌ای نمازی جداگانه خوانده شود، ولی اگر بر همه‌ی آنها یک نماز خوانده شد نیز صحیح است، افراد ذکور هر چند کوچک باشند مقابل امام و زنان و دختران بعد از آنان، رو به قبله قرار داده می‌شوند:

از نافع از ابن عمر روایت است: (أنه صلى على تسع جناز جميعاً، فجعل الرجال يلون الإمام و النساء يلين القبلة فصفهن صفا واحداً، و وضعت جنازة أم كلثوم بنت علي امرأة عمر بن الخطاب و ابن لها يقال له زيد فوضعا جميعاً، و الإمام يومئذ سعيد بن العاص، و في الناس ابن عباس و أبو هريرة و أبوسعيد و أبو قتادة، فوضع الغلام مما يلي الإمام، فقال رجل: فأنكرت ذلك، فنظرت إلى ابن عباس و أبي هريرة و أبي سعيد و أبي قتادة، فقلت ما هذا؟ قالوا: هي السنة)^[653] «او در نماز نه جنازه باهم شرکت داشت، مردان در جهت امام و زنان در جهت قبله و در یک صف قرار داده شدند و جنازه‌ی ام کلثوم دختر علی و همسر عمر بن خطاب و زید پسر او را نیز در آنجا گذاشتند، سعید بن عاص بر آنان نماز خواند، در حالیکه ابن عباس، ابوهریره، ابوسعید و ابوقتاده در آنجا حضور داشتند. پسر بچه جلو امام قرار داده شد. مردی گفت: اینکار به نظر من ناپسند است، به ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید و ابوقتاده نگاه کردم، گفتم این کار چیست؟ گفتند سنت است».

محل خواندن نماز جنازه:

خواندن نماز بر جنازه در مسجد جایز است

از عایشه روایت است: (لما توفي سعد بن أبي وقاص أرسل أزواج النبي ﷺ أن يمروا بجنازته في المسجد فيصلين عليه، ففعلوا، فوقف به علي حبرهن يصلين عليه، أخرج به من باب الجنائز الذي كان إلى المقاعد، فبلغهن أن الناس عابوا ذلك و قالوا: ما كانت الجنازة يدخل بها المسجد فبلغ ذلك عائشة فقالت: ما أسرع الناس إلى أن يعيبوا ما لا علم لهم به، عابوا علينا أن يمر بجنازة في المسجد، و ما صلى رسول الله ﷺ على سهيل بن بيضاء إلا في جوف المسجد)^[654] «وقتی که سعد بن ابی وقاص فوت کرد، زنان پیامبر ﷺ کسی را دنبال جنازه فرستادند تا به مسجد آورده شود و بر آن نماز بخوانند. این کار را کردند، و جنازه را مقابل حجره زنان پیامبر ﷺ قرار دادند و بر آن نماز خواندند و از طریق «باب الجنائز» که روبروی «المقاعد» بود جنازه را خارج کردند. به زنان پیامبر ﷺ گفتند که مردم از این کار ایراد گرفته و گفته‌اند سابقه نداشته که جنازه‌ها به مسجد برده شوند. این خبر به عایشه رسید، گفت: مردم چقدر شتابان از چیزی که نمی‌دانند ایراد می‌گیرند، عیب گرفته‌اند که جنازه به مسجد برده شده، در حالی که پیامبر ﷺ در داخل مسجد، بر سهیل بن بیضاء نماز خواند.»

اما بهتر آن است که خارج از مسجد و در محلی که مخصوص نماز میت است، بر جنازه نماز خوانده شود. همچنانکه زمان پیامبر ﷺ چنین بود و اکثر احادیث نبوی هم این را تأیید می‌کنند:

از ابن عمر روایت است: (أن اليهود جاءوا إلى النبي ﷺ برجل منهم و امرأة زنيا، فأمر بهما، فرجما قريبا من موضع الجنائز عند المسجد)^[655] یهودیان مرد و زنی را که زنا کرده بودند نزد پیامبر ﷺ آوردند، پیامبر ﷺ دستور رجم آنانرا داد و آنان نزدیک محل برگزاری نماز جنازه در کنار مسجد رجم شدند.»

از ابوهریره روایت است: (أن رسول الله ﷺ نعى النجاشي في اليوم الذي مات فيه، خرج إلى المصلى، فصف بهم و كبر أربعاً)^[656] «روزی که نجاشی فوت کرد، پیامبر ﷺ خبر مرگ او را به مردم اعلام کرد و به طرف مصلی خارج شد و مردم را صف کرد و چهار تکبیر گفت.»

نماز میت در بین قبور درست نیست، به دلیل حدیث انس: (أن النبي ﷺ نهى أن يصلی على الجنائز بين القبور)^[657] «پیامبر ﷺ از خواندن نماز میت در بین قبور نهی کرد.»

امام کجا می ایستد:

از ابو غالب خیاط روایت است: (شهدت أنس بن مالك صلى على جنازة رجل، فقام عند رأسه، فلما رفع أتى بجنازة امرأة من قريش أو من الأنصار، فقبل له يا أبا حمزة هذه جنازة فلانة ابنة فلان فصل عليها، فصلى عليها، فقام وسطها، و فينا العلاء بن زياد العدوي، فلما رأى اختلاف قيامه على الرجل و المرأة قال يا أبا حمزة، هكذا كان رسول الله ﷺ يقوم حيث قمت، و من المرأة حيث قمت؟ قال نعم، قال: فالتفت إلينا العلاء فقال: (احفظوا)^[658] «أنس بن مالك را دیدم که بر جنازه مردی در حالیکه کنار سرش ایستاد نماز خواند. وقتی (جنازه) برداشته شد، جنازه زنی از قریش یا از انصار آورده شد. به انس گفته شد ای ابو حمزه این جنازه فلانی دختر فلانی است، بر او نماز بخوان، انس در وسط او ایستاد و بر او نماز خواند، در میان ما علاء بن زیاد عدوی بود وقتی تفاوت ایستادن انس را برای مرد و زن دید گفت ای ابو حمزه، آیا پیامبر ﷺ هم همانجایی که شما برای مرد و زن ایستادی، می ایستاد؟ (انس) گفت: بله، (ابو غالب) گوید: علاء رو به ما کرد و گفت: این را به خاطرتان بسپارید».

روش خواندن نماز میت:

در نماز میت چهار یا پنج الی نه تکبیر گفته می شود. پیامبر ﷺ هر بار به یکی از اینها عمل می کرد. دلیل چهار تکبیر حدیث ابوهریره است: (أن رسول الله ﷺ نعى النجاشي فى اليوم الذى مات فيه فخرج إلى المصلى فصف بهم و كبر أربعاً)^[659] «روزی که نجاشی فوت کرد، پیامبر ﷺ خبر مرگ او را به مردم اعلام کرد و به طرف مصلى خارج شد و مردم را صف کرد و چهار تکبیر گفت».

و دلیل پنج تکبیر حدیث عبدالرحمن بن ابی لیلی است: (كان زيد بن أرقم يكبر على جنازنا أربعاً، و إنه كبر على جنازة خمسا، فسألته، فقال: كان رسول الله ﷺ يكبرها)^[660] «زید بن أرقم بر جنازه های ما چهار تکبیر می گفت، و بر جنازه های پنج تکبیر گفت، از او (علت را) پرسیدم، گفت پیامبر ﷺ پنج تکبیر می گفت».

و درباره شش و هفت تکبیر، بعضی آثار موقوف آمده است که در حکم مرفوع اند، چون بعضی از بزرگان صحابه آن را در حضور دیگر صحابه انجام داده اند بدون اینکه کسی به آنها اعتراض کند:

از عبدالله بن معقل روایت است: (أن علي بن أبي طالب صلى على سهل بن حنيف، فكبر عليه ستاً، ثم التفت إلينا فقال: إنه بدري)^[661] «علی بن ابی طالب بر سهل بن حنیف نماز خواند و شش تکبیر گفت، سپس رو به ما کرد و گفت او بدری است».

از موسی بن عبدالله بن یزید روایت است: (أن علياً صلى على أبي قتادة فكبر عليه سبعاً، و كان بدرياً)^[662] «علی بر ابوقتاده نماز خواند و هفت تکبیر گفت، ابوقتاده بدری بود».

از عبد خیر روایت است : (كان على تكبير على أهل بدر ستا، و على أصحاب النبي r خمسا، و على سائر الناس أربعا)^[663] «على بر اهل بدر شش تکبیر و بر (دیگر) اصحاب پیامبر r پنج تکبیر و بر سایر مردم چهار تکبیر می‌گفت».

و دلیل نه تکبیر حدیثی است که عبدالله بن زبیر روایت کرده که : (أن النبي r صلى على حمزة فكبر عليه تسع تكبيرات...)^[664] «پیامبر r بر حمزه نماز خواند و نه تکبیر گفت».

فهرست

برای نمازگزار مشروع است که دستهایش را در تکبیر اول بلند کند

از عبدالله بن عباس روایت است : (أن رسول الله r كان يرفع يديه على الجنازة في أول تكبيرة ثم لا يعود)^[665] «پیامبر r در تکبیر اول نماز میت دو دستش را بلند می‌کرد و (در تکبیرات بعدی) این کار را نمی‌کرد».

سپس دست راستش را بر پشت کف و میچ و ساعد دست چپش قرار می‌داد و آن دو را روی سینه‌اش محکم قرار می‌داد :

از سهل بن سعد روایت است : (كان الناس يؤمرون أن يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعه اليسرى في الصلاة)^[666] «به مردم امر می‌شد که هنگام نماز دست راست را روی ساعد چپ قرار دهند».

سپس بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه و سوره‌های دیگر می‌خواند :

از طلحه بن عبدالله بن عوف روایت است : (صليت خلف ابن عباس t على الجنازة، فقرأ بفاتحة الكتاب و سورة، و جهر حتى أسمعنا، فلما فرغ أخذت بيده فسألته؟ فقال : إنما جهرت لتعلموا أنها سنة و حق)^[667] «پشت سر ابن عباس t نماز جنازه خواندم، سوره فاتحه و سوره‌های دیگر را با صدای بلند خواند تا ما آن را بشنویم، وقتی نماز تمام شد، دستش را گرفتم و (در این باره) از او سؤال کردم، گفت به این خاطر با صدای بلند خواندم که بدانید این سنت و حق است».

نماز میت به صورت سری خوانده می‌شود؛ به دلیل حدیث ابو امامه بن سهل که گفت : (السنة في الصلاة على الجنازة أن يقرأ في التكبيرة الأولى بأمر القرآن مخافتة، ثم يكبر ثلاثا، و التسليم عند الآخرة)^[668] «سنت در نماز میت این است که بعد از تکبیر اول سوره فاتحه به صورت سری خوانده شود، سپس سه بار تکبیر گفته شود و سلام باید بعد از آخرین تکبیر باشد».

سپس تکبیر دوم را بگوید و بر پیامبر r صلوات بفرستد : به دلیل حدیث ابو امامه که قبلاً بیان شد و گفت : مردی از اصحاب پیامبر r به من خبر داد که : (أن السنة في الصلاة على الجنازة أن يكبر الإمام، ثم يقرأ بفاتحة الكتاب بعد التكبيرة الأولى سرا في نفسه، ثم

یصلی علی النبی r و یخلص الدعاء للجنائزۃ فی التکبیرات الثلاث، لایقرأ فی شی منهن، ثم یسلم سرا فی نفسه^[669] «سنت در نماز میت این است که امام تکبیر بگوید، سپس بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه را به صورت سری بخواند، سپس در سه تکبیر باقیمانده بر پیامبر r صلوات بفرستد و خالصانه برای میت دعا کند، و در هیچ کدام از آنها قرآن نخواند، سپس آهسته سلام دهد».

و بعد از تکبیر دوم، بقیه تکبیرات را بگوید و در آن خالصانه برای میت دعا کند : به دلیل فرموده پیامبر r : (إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى الْمَيِّتِ فَأَخْلَصُوا لَهُ الدَّعَاءَ)^[670] «هرگاه بر میت نماز خواندید، خالصانه برای او دعا کنید».

در نماز میت باید دعاهایی خوانده شود که از پیامبر r نقل شده‌اند. از جمله این دعاها دعایی است که از عوف بن مالک روایت است : پیامبر r بر جنازه‌ای نماز خواند و قسمتی از دعایی را که می‌خواند حفظ کردم. او می‌فرمود : (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ، وَ أَكْرِمْ نَزْلَهُ، وَ وَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَ اغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَ التَّلْجِ وَ الْبَرْدِ وَ نَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يَنْقِي الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَ أَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَ أَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ وَ زَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَ ادْخُلْهُ الْجَنَّةَ وَ أَعِزَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ عَذَابِ النَّارِ قَالَ : فَتَمَنَيْتُ أَنْ أَكُونَ أَنَا ذَلِكَ الْمَيِّتِ)^[671] «خداوندا! او را بیمارز و به او رحم کن، و او را از عذاب نجات ده، و او را مورد عفو خویش قرار بده و مکانش را در بهشت رفیع گردان و جایگاهش را (در قبر) فراخی و وسعت ده، و او را (از گناهان) با آب و برف و تگرگ بشوی و او را از خطاها پاک کن همچنانکه پارچه سفید از چرک پاک می‌شود، و برای او خانه‌ای بهتر از خانه‌اش و اهلی بهتر از اهلیش و همسری بهتر از همسرش جایگزین بفرما، و او را وارد بهشت کن و او را از عذاب قبر و عذاب آتش دور بفرما، (عوف بن مالک) گفت : آرزو داشتم که آن میت من می‌بودم».

مشروع آن است که دعا بین تکبیر آخر و سلام باشد؛ به دلیل حدیث ابویعفور از عبدالله بن ابی اوفی t که گفت : (شهادته کبر علی جنازة أربعا، ثم قام ساعة - یعنی - یدعوا ثم قال : أترونی كنت أكبر خمسا؟ قالوا : لا، قال : إن رسول الله r كان یکبر أربعا)^[672] «او را دیدم که هنگام خواندن نماز میت چهار تکبیر گفت، سپس مدتی ایستاد و دعا کرد و گفت : آیا پنج تکبیر گفتیم؟ گفتند خیر، گفت : پیامبر r چهار تکبیر می‌گفت».

سپس مانند نماز واجب دو سلام بدهد یکی به طرف راست و دیگری به طرف چپ، به دلیل حدیث عبدالله بن مسعود t : (ثلاث خلال کان رسول الله r یفعلن ترکهن الناس، إحداهن التسليم علی الجنائزۃ مثل التسليم فی الصلاة)^[673] «سه خصلت است که پیامبر r آنها را انجام می‌داد ولی مردم آنها را ترک کرده‌اند، یکی از آنها سلام بر جنازه است که مانند سلام نماز است».

می‌توان به سلام اول هم اکتفا کرد به دلیل حدیث ابوهریره : (أن رسول الله صلی علی جنازة فکبر علیها أربعا و سلم تسلیمۃ واحدة)^[674] «پیامبر r بر میتی نماز خواند و چهار تکبیر گفت و یک سلام داد».

فهرست

خواندن نماز میت در اوقاتی که نماز خواندن حرام است، جایز نیست، مگر در حالت ضرورت:

به دلیل حدیث عقبه بن عامر t : (ثلاث ساعات كان رسول الله r ينهانا أن نصلی فیهن أو أن نقبر فیهن موتانا : حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع، و حين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس، و حين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب) [675] «پیامبر r ما را از اینکه در سه وقت (زیر) نماز بخوانیم یا مرده‌هایمان را دفن کنیم نهی کرد، هنگامی که تازه خورشید طلوع می‌کند تا وقتی که بلند می‌شود، و وسط روز تا وقتی که خورشید زوال کند و وقتی که خورشید به غروب نزدیک می‌شود تا غروب کند».

فهرست

فضیلت نماز میت و تشییع آن:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (من صلی علی جنازة و لم يتبعها فله قیراط، فإن تبعها فله قیراطان، قيل و ما القیراطان؟ قال : أصغرهما مثل أحد) [676] «هر کس بر جنازه‌ای نماز بخواند ولی آن را تشییع نکند یک قیراط (أجر) دارد و اگر آن را تشییع کند دو قیراط (أجر) دارد، گفته شد دو قیراط چقدر است؟ فرمود : کوچکترین آن به اندازه کوه أحد است».

فضیلت تشییع جنازه فقط برای مردان است و شامل زنان نمی‌شود؛ چون پیامبر r زنان را از شرکت در تشییع جنازه نهی فرموده است البته این نهی، نهی تنزیهی است. أم عطیه (رض) گوید : (نهینا عن اتباع الجنائز و لم يعزم علينا) [677] «از تشییع جنازه‌ها منع شدیم ولی نه به طور قطعی».

تشییع جنازه با ارتکاب اعمالی که مخالف شریعت باشد جایز نیست، در سنت نبوی به دو مورد تصریح شده، که عبارتند از :

گریه کردن با صدای بلند و تشییع همراه با روشن کردن بخور (آتش):

به دلیل فرموده پیامبر r (لا تتبع الجنابة بصوت و لانا) [678] «جنازه با سر و صدا و آتش تشییع نشود».

این نهی، ذکر کردن با صدای بلند در پیشاپیش جنازه را نیز شامل می‌شود؛ چون این کار بدعت است و قیس بن عباد گوید : (كان أصحاب النبي r يكرهون رفع الصوت عند الجنائز) [679] «اصحاب پیامبر r بلند کردن صدا هنگام تشییع جنازه را مکروه می‌دانستند». چراکه اینکار مشابهت به نصاری است، چون آنان به هنگام خواندن انجیل و دعاهایشان، آوازشان را همراه با کشیدن صدا و لحن دادن به آن و غمناک کردن آن بلند می‌کردند.

زشت‌تر از آن این است که تشییع جنازه با نواختن آلات موسیقی با صدایی حزن‌انگیز پیشاپیش جنازه همراه باشد، همچنان که در بعضی از ممالک اسلامی به تقلید از کفار این کار را انجام می‌دهند. - والله المستعان-

سرعت در بردن جنازه، بدون دویدن واجب است:

به دلیل فرموده پیامبر r: (أسرعوا بالجنازة، فإن تك صالححة فخير تقدمونها عليه و إن تكن غير ذلك فشر تضعونه عن رقابكم)^[680] «در دفن جنازه عجله کنید؛ چون اگر (جنازه) انسان صالحی باشد خیری را به او می‌رسانید و اگر غیر از آن باشد، شری است که از دوش خود برمی‌دارید».

جایز است تشییع کننده از جلو و پشت سر و طرف راست و چپ جنازه حرکت کند به شرط اینکه به جنازه نزدیک باشد مگر اینکه سواره باشد که در اینصورت باید پشت سر جنازه حرکت کند؛ به دلیل حدیث مغیره بن شعبه که گفت: پیامبر r فرمود:

(الراكب خلف الجنازة و الماشي حيث شاء منها)^[681] «سواره پشت سر جنازه و پیاده از هر طرفی که خواست حرکت کند».

اما حرکت پشت سر جنازه بهتر است؛ چون این امر مطابق این فرموده پیامبر r است: (واتبعوا الجنائز) «و جنازه‌ها را دنبال کنید».

قول علی t نیز این را تأیید می‌کند، که می‌گوید: (المشي خلفها أفضل من المشي أمامها، كفضل صلاة الرجل في جماعة على صلته فدا)^[682] «فضیلت حرکت کردن پشت سر جنازه بر حرکت کردن جلو آن مانند فضیلت نماز جماعت بر نماز فرادی است».

فهرست

اگر کسی وارد قبرستان شد یا از کنار آن عبور کرد چه دعایی را بخواند:

از عایشه روایت است: گفتم ای رسول خدا (وقتی داخل قبرستان شدم) چه بگویم؟ فرمود: بگو: (السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین، و یرحم الله المستقدمین منا و المستأخرین، و إنا إن شاء الله بكم للاحقون)^[683] «سلام بر مؤمنان و مسلمانان این دیار باد! خداوند به گذشتگان و آیندگان ما رحم کند، و ما هم انشاءالله به شما ملحق خواهیم شد».

از سلیمان بن بریده از پدرش روایت است: پیامبر r به آنان یاد می‌داد هرگاه به قبرستان رفتند بگویند: (السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین، و إنا إن شاء الله بكم للاحقون، أسأل الله لنا و لكم العافیة)^[684] «سلام بر شما مؤمنان و مسلمانان این دیار؛ و ما هم انشاءالله به شما ملحق خواهیم شد، از خداوند برای خود و شما طلب عافیت می‌کنم».

سوم- دفن میت:

دفن میت واجب است اگرچه کافر باشد.

سنت است دفن در قبرستان صورت گیرد؛ چون پیامبر r مرده‌ها را در قبرستان بقیع دفن می‌کرد، و اخبار در این مورد به تواتر رسیده‌اند و دفن در غیر قبرستان از هیچ یک از افراد سلف روایت نشده، بجز دفن پیامبر r در حجره‌اش که به تواتر رسیده است. و این از خصوصیات پیامبر r است همانطور که حدیث عایشه بر آن دلالت دارد، عایشه گوید: (لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ r اَخْتَلَفُوا فِي دَفْنِهِ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ r شَيْئًا مَا نَسِيتُهُ قَالَ: مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُدْفَنَ فِيهِ، فَدَفَنُوهُ فِي مَوْضِعِ فَرَاشَةَ) [685] «وقتی که پیامبر r فوت کرد، اصحاب در مورد محل دفنش اختلاف نظر پیدا کردند، ابوبکر گفت چیزی از پیامبر r شنیده‌ام که آن را فراموش نکرده‌ام، پیامبر r فرموده: خداوند هیچ پیامبری را قبض روح نکرده مگر در مکانی که دوست داشته در آن دفن شود، لذا او را در محل بسترش دفن کردند».

شهادی میدان جنگ از این حکم مستثنایند و در محل شهادتشان دفن شده و به قبرستان منتقل نمی‌شوند. به دلیل حدیث جابر t :

(لَمَّا كَانَ يَوْمَ أُحُدٍ، حَمَلَ الْقَتْلَى لِيُدْفَنُوا بِالْبَقِيعِ، فَنَادَى مَنَادِي رَسُولَ اللَّهِ r : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ r يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُدْفَنُوا الْقَتْلَى فِي مَضَاجِعِهِمْ) [686] «در روز جنگ احد کشته‌شدگان را بر سواریه‌ها گذاشتند تا آنها را در بقیع دفن کنند، منادی پیامبر r اعلام کرد: پیامبر r به شما دستور می‌دهد تا کشته‌شدگان را در محل شهادتشان دفن کنید».

فهرست

دفن در اوقات زیر جایز نیست مگر هنگام ضرورت:

1- از عقبه بن عامر روایت است: (ثَلَاثَ سَاعَاتٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ r يَنْهَانَا أَنْ نَصَلِّيَ فِيهِنَّ، أَوْ أَنْ نَقْبِرَ فِيهِنَّ مَوْتَانَا، حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ بَارِغَةً حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَحِينَ يَقُومُ قَائِمُ الظُّهَيْرَةِ حَتَّى تَمِيلَ الشَّمْسُ، وَحِينَ تَضِيْفُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرِبَ) [687] «سه وقت است که پیامبر r ما را نهی می‌کرد که در آن اوقات نماز بخوانیم یا مرده‌هایمان را دفن کنیم، هنگامی که خورشید طلوع می‌کند تا وقتی که بلند شود، و وقتی که نیمه روز می‌شود تا هنگامیکه خورشید زوال کند، و وقتی که خورشید به غروب نزدیک می‌شود تا آنکه غروب کند».

2- از جابر روایت است: (أَنَّ النَّبِيَّ r نَكَرَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ قَبِضَ فَكْفَنَ فِي كَفْنٍ غَيْرِ طَائِلٍ وَ قَبِرَ لَيْلًا فَزَجَرَ النَّبِيُّ r أَنْ يَقْبِرَ الرَّجُلَ بِاللَّيْلِ حَتَّى يَصَلِّيَ عَلَيْهِ، إِلَّا أَنْ يَضْطُرَّ الْإِنْسَانُ إِلَى ذَلِكَ) [688] «پیامبر r درباره یکی از اصحابش که فوت کرده بود و او را در پارچه‌ای که تمام بدنش را نمی‌پوشاند، کفن و شب هنگام دفن کرده بودند صحبت کرد ما را از دفن

کردن مردگان در شب منع کرد تا (صبح مردم بیشتری جمع شوند) بر او نماز خوانده شود، مگر اینکه ضرورتی پیش بیاید».

اگر ضرورت ایجاب کند، می‌توان مرده را شبانه دفن کرد، و می‌توان برای تسهیل عمل دفن از چراغ استفاده کرد: به دلیل حدیث ابن عباس: (أَنْ رَسُولَ رَأَى دَخَلَ رَجُلًا قَبْرَهُ لَيْلًا، وَ أُسْرَجَ فِي قَبْرِهِ) [689] «پیامبر r مردی را در شب دفن کرد و (برای تسهیل عمل دفن) داخل قبرش، از چراغ استفاده کرد».

واجب است قبر عمیق، وسیع و خوب باشد:

از هشام بن عامر روایت است: (لَمَّا كَانَ يَوْمَ أَحَدٍ، أَصِيبَ مِنْ أَصِيبِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ أَصَابَ النَّاسَ جِرَاحَاتٌ، فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْحَفْرَ عَلَيْنَا لِكُلِّ إِنْسَانٍ شَدِيدًا، فَكَيْفَ تَأْمُرُنَا؟ فَقَالَ: أَحْفَرُوا وَ أَوْسَعُوا، وَ أَعْمَقُوا، وَ أَحْسِنُوا، وَ اذْفَنُوا الْإِثْنَيْنِ وَ الثَّلَاثَةَ فِي الْقَبْرِ، وَ قَدِمُوا أَكْثَرَهُمْ قَرَأْنَا، قَالَ: فَكَانَ أَبُو ثَالِثٍ ثَلَاثَةَ، وَ كَانَ أَكْثَرَهُمْ قَرَأْنَا، فَقَدِمَ) [690] «زمانی که جنگ احد روی داد، بسیاری از مسلمانان کشته شدند و عده‌ای هم جراحاتی برداشتند، گفتیم ای رسول خدا کندن قبر برای هر کدام از آنها کار دشواری است، به ما چه دستوری می‌دهید؟ پیامبر r فرمود: قبرها را به صورت وسیع، عمیق و خوب حفر کنید، و دو نفر و سه نفر را در یک قبر دفن کنید و کسی را که قرآن بیشتری (از حفظ) داشته در دفن مقدم کنید (هشام بن عامر) گفت: پدرم سومین شخصی بود که کشته شده بود و بیشتر از همه قرآن را از حفظ داشت، در نتیجه او را جلوتر از همه دفن کردند».

کندن قبر هم به صورت لحد و هم به صورت شق جایز است: چون در زمان پیامبر r هر دو صورت رواج داشته است، ولی لحد بهتر است: از انس بن مالک روایت است: (لَمَّا تَوَفَّى النَّبِيَّ رَأَى بِالْمَدِينَةِ رَجُلًا يَلْحَدُ، وَ آخَرَ يَضْرَحُ، فَقَالُوا: نَسْتَخِيرُ رَبَّنَا، وَ نَبْعَثُ إِلَيْهِمَا، فَأَيُّهُمَا سَبَقَ تَرَكْنَاهُ فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمَا، فَسَبَقَ صَاحِبَ اللَّحْدِ، فَلَحَدُوا لِلنَّبِيِّ r) [691] «وقتی پیامبر r فوت کرد، در مدینه (دو قبر کن بود که یکی) قبر را به صورت لحد و دیگری به صورت شق حفر می‌کرد. اصحاب گفتند از پروردگاران استخاره می‌کنیم و به دنبال آن دو می‌فرستیم هر کدام زودتر آمد قبر را حفر کند، به دنبال آن دو فرستادند، لحدکن زودتر آمد لذا برای پیامبر r قبر را به صورت لحد حفر کردند».

میت اگرچه زن باشد، توسط مردان به داخل قبر گذاشته می‌شود؛ چرا که در زمان پیامبر r مردان این کار را انجام می‌دادند، و تاکنون نیز مسلمانان این کار را انجام می‌دهند.

اولیای میت در گذاشتن میت در قبر مستحق‌تر اند؛ به دلیل عموم فرموده خداوند متعال:

(وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) (احزاب: 6)

«و خویشاوندان نسبت به همدیگر بعضی بر بعضی در کتاب خدا از اولویت بیشتری برخوردارند».

و به دلیل حدیث علی (ع) : (غسلت رسول الله، فذهبت أنظر ما يكون من الميت فلم أر شيئاً، و كان طيباً، حياً و ميتاً و ولي دفنه و إجنابه دون الناس أربعة : علي و العباس و الفضل و صالح مولى رسول الله، و لحد لرسول الله لحداً و نصب عليه اللبن نصيباً) [692] «پیامبر را شستم، نگاه کردم به آنچه از میت خارج می‌شود، چیزی را ندیدم، پیامبر هم در حال حیات و هم در حال وفات پاک و خوشبو بود، و از میان مردم فقط چهار نفر کفن و دفنش را بر عهده گرفتند؛ علی، عباس، فضل و صالح مولای پیامبر، و برای پیامبر لحدی حفر کردند و بر آن خشت خام قرار دادند».

فهرست

مرد می‌تواند همسر خودش را دفن کند:

به دلیل حدیث عایشه : (دخل على رسول الله في اليوم الذي بدى فيه، فقلت : وارأساه فقال : وددت أن نلك كان و أنا حى، فهياتك و دفنتك ...) [693] «روزی که پیامبر بیمار بود، نزد من آمد، گفتم «وای سرم»، پیامبر فرمود : دوست داشتم که وقتی تو می‌مردی من زنده می‌بودم و تو را تجهیز و تدفین می‌کردم».

ولی منوط به این است که در آن شب با زنش آمیزش نکرده باشد در غیر این صورت برایش مشروع نیست که زنش را دفن کند و بهتر است غیر او اگر دارای شرط مذکور باشد، زنش را دفن کند، به دلیل حدیث انس که گفت :

(شهدنا ابنة لرسول الله، و رسول الله جالس على القبر، فرأيت عينيه تدمعان، ثم قال : هل منكم من رجل لم يقارف الليلة؟ فقال أبو طلحة : أنا يا رسول الله قال : فأنزل، قال فنزل في قبرها) [694] «در تشییع جنازه دختر پیامبر حاضر بودیم، پیامبر در حالیکه روی قبر نشسته بود، دیدم که اشک از چشمانش جاری بود، سپس فرمود، آیا از میان شما کسی هست که دیشب با همسرش نزدیکی نکرده باشد؟ ابوطلحه گفت من، ای رسول خدا، پیامبر فرمود : پس پایین برو، (انس) گفت : و (ابوطلحه) داخل قبرش شد».

فهرست

سنت است میت از طرف پایین قبر (جایی که پای میت قرار می‌گیرد) داخل قبر گذاشته شود:

به دلیل حدیث ابواسحاق : (أوصى الحارث أن يصلى عليه عبد الله بن يزيد، فصلى عليه، ثم أدخله القبر من قبل رجلى القبر و قال : هذا من السنة) [695] «حارث وصیت کرد که عبدالله بن یزید بر او نماز بخواند، لذا عبدالله بر او نماز خواند سپس او را از طرف پایین قبر داخل قبر کرد و گفت : این کار، سنت است».

میت در قبر بر پهلوی راست و رو به قبله گذاشته شود به طوریکه سرش در سمت راست قبله و پاهایش در سمت چپ آن قرار گیرد، مسلمانان از زمان پیامبر r تاکنون بدین طریق عمل کرده‌اند.

سنت است کسی که میت را در قبر قرار می‌دهد بگوید (بسم الله و علی سنة رسول الله أو ملة رسول الله) «به نام خدا و بر سنت پیامبر خدا یا دین پیامبر خدا».

از ابن عمر روایت است: (أن النبی r كان إذا وضع الميت فی القبر قال : بسم الله و علی سنة رسول الله) [696] «پیامبر r وقتی میت را در قبر قرار می‌داد می‌فرمود: «بسم الله و علی سنة رسول الله».

و به دلیل حدیث بیاضی t از رسول خدا r که فرمود:

(المیت إذا وضع فی قبره، فلیقل الذین یضعونه حین یوضع فی اللحد : بسم الله، و بالله و علی ملة رسول الله) [697] «وقتی که میت در قبرش گذاشته می‌شود، کسانی که او را در لحد می‌گذارند بگویند: «بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله».

و برای کسی که کنار قبر است مستحب است بعد از بستن لحد (گذاشتن سنگ‌ها) با هر دو دستش سه مشت خاک بر روی قبر بریزد؛ به دلیل حدیث ابوهریره: (أن رسول الله r صلی علی جنازة، ثم أتى المیت فحقی علیه من قبل رأسه ثلاثا) [698] «پیامبر r بر جنازه‌ای نماز خواند؛ سپس نزدیک قبر شد و از طرف سرش سه مشت خاک بر آن ریخت».

فهرست

بعد از دفن میت موارد زیر سنت است:

1- قبر حدود یک وجب از زمین بلند شود، تا مشخص شود که قبر است و به آن اهانت نشود، به دلیل حدیث جابر t: (أن النبی r أحد له لحد، و نصب علیه اللبن نصبا، و رفع قبره من الأرض نحو من شبر) [699] «برای پیامبر r، لحدی کنده شد و بر او خشت قرار داده شد و قبرش به اندازه یک وجب از زمین بلند کرده شد».

2- قبر مقداری مرتفع شود، به دلیل حدیث سفیان تمار که گفت:

(رأیت قبر النبی r مسنما) [700] «قبر پیامبر r را دیدم که (به شکل کوهان شتر) برجسته بود».

3- با قرار دادن تکه سنگی یا شبیه آن در قسمت بالای قبر (سر میت)، آن را مشخص کند، تا هرگاه کسی از بستگان میت بمیرد نزد او دفن شود، به دلیل حدیث مطلب بن ابی وداعه t (لما مات عثمان بن مظعون أخرج بجنازته فدفن، أمر النبی r رجلا أن یأتیہ بحجر، فلم یستطع حملة، فقام إليها رسول الله r و حسر عن ذراعیه، قال المطلب : قال الذی

يخبرني عن رسول الله ﷺ : كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى بِيَاضِ ذِرَاعِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ حَسَرَ عَنْهَا، ثُمَّ حَمَلَهَا فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَأْسِهِ، وَقَالَ : أَتَعْلَمُ بِهَا قَبْرَ أُخِي، وَ أَدْفِنُ إِلَيْهِ مِنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي(7011) «وَقَتِي كَمَا أَنَّ عَثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ فُوتَ كَرْدًا، جَنَازَهُ أَشْرَأَ بِبَيْرُونٍ بَرَدْنَا وَ دَفَنَّا بِبِيَامِبَرٍ بِمَرْدِيٍّ دَسْتُورٍ دَادَ تَا سَنَاجِي بَرَأِي أَوْ بِيَاوَرْدًا، أَنَّ شَخْصًا نَتَوَانَسْتُ سَنَاجِي رَا حَمَلْنَا كَرْدًا، بِبِيَامِبَرٍ (بِهَ طَرَفِ سَنَاجِي) رَفْتُ وَ أَسْتِينَشَ رَا بِأَلَا زَدًا، مَطْلَبُ كَوَيْدٍ : كَسِي كَمَا أَنَّ بِيَامِبَرٍ بِمَرْدِيٍّ خَبَرَ دَادَ كَفْتُ : وَقَتِي كَمَا أَنَّ بِيَامِبَرٍ أَسْتِينَشَ رَا بَرَأِي بَرَدَاثَتِنَا سَنَاجِي بِأَلَا زَدًا، سَفِيدِي سَاعِدَاهِي رَا دِيدِمًا، سَنَاجِي رَا حَمَلْنَا كَرْدًا وَ دَرَكَنَارَ سَرَّ عَثْمَانَ قَرَارًا دَادَ وَ فَرَمُودًا : بِأَيِّنَ سَنَاجِي قَبْرِ بَرَادَرْتَانِ رَا نَشَانَهَ مِي كَنَمُ وَ هَرُ كَسَ أَزْ خَوِيشَاوَنَدَانَمَ فُوتَ كَرْدًا وَ دَفْنَشَ مِي كَنَمُ».

4- **بالای قبر بایستد و برای پایداری میت دعا و طلب مغفرت کند** و حاضران را نیز به این کار سفارش کند؛ به دلیل حدیث عثمان بن عفان: (كان النبي ﷺ إذا فرغ من دفن الميت وقف عليه فقال: استغفروا لأخيكم، وسلوا له التثبيت فإنه الآن يسأل) (7021) «وَقَتِي كَمَا أَنَّ بِيَامِبَرٍ أَزْ دَفْنِ مَيْتِ فَا رَغَ مِي شَدَّ، بِأَلَايَ سَرَّ أَوْ مِي آيَسْتَادَ وَ مِي فَرَمُودًا : بَرَأِي بَرَادَرْتَانِ طَلَبَ مَغْفَرَتِ كَنَيْدِ وَ بَرَأِي أَوْ أَزْ خُودَا طَلَبَ پَايْدَارِي كَنَيْدِ كَمَا أَنَّ الْآنَ أَزْ أَوْ سَوَّالَ مِي شُودُ».

جایز است که همراهان جنازه، هنگام دفن کنار قبر بنشینند تا مرگ و حوادث بعد از آن را به یاد بیاورند، به دلیل حدیث براء بن عازب :

(خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فِي جَنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَانْتَهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ وَ لَمَّا يَلْحَدُ، فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ، وَ كَانَ عَلَي رُؤْسِنَا الطَّيْرُ، وَ فِي يَدِهِ عُودٌ فَجَعَلَ يَنْكُتُ فِي الْأَرْضِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ : إِنْ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا، وَ إِقْبَالَ مِنَ الْآخِرَةِ، نَزَلَ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِيَضِ الْوُجُوهِ كَأَنَّ وَجُوهُهُمُ الشَّمْسُ، مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ، وَ حَنُوطٌ مِنْ حَنُوطِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرَ ثُمَّ يَجِي مَلِكُ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَيَقُولُ : أَيَّتْهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ، أَخْرِجِي إِلَى مَغْفَرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ، قَالَ : فَتَخْرُجُ تَسِيلٌ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنْ فِي السَّقَاءِ، فَيَأْخُذُهَا، فَإِذَا أَخْذَهَا لَمْ يَدْعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَأْخُذُوهَا، لِيَجْعَلُوهَا فِي ذَلِكَ الْكَفَنِ وَ فِي ذَلِكَ الْحَنُوطِ، وَ يَخْرُجُ مِنْهَا كَأَطْيَبِ نَفْحَةٍ مَسَكٍ وَجَدْتَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، قَالَ : فَيَصْعَدُونَ بِهَا، فَلَايْمِرُونَ يَعْنِي بِهَا عَلَى مَلَأَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِذَا قَالُوا : مَا هَذَا الرُّوحُ الطَّيِّبُ، فَيَقُولُونَ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ، بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانُوا يَسْمُونَهُ بِهَا فِي الدُّنْيَا. حَتَّى يَنْتَهَوْا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَيَسْتَفْتَحُونَ لَهُ فَيَفْتَحُ لَهُمْ، فَيَشِيْعُهُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مَقْرَبُوهَا إِلَى السَّمَاءِ الَّتِي تَلِيهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، اكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيْنِ، وَ أَعِيدُوهُ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنِّي مِنْهَا خَلَقْتَهُمْ وَ فِيهَا أَعِيدُهُمْ، وَ مِنْهَا أَخْرَجْتَهُمْ تَارَةً أُخْرَى. قَالَ : فَتَعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ، فَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيَجْلِسَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ : مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ : رَبِّي اللَّهُ، فَيَقُولَانِ لَهُ : مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ دِينِي الْإِسْلَامُ، فَيَقُولَانِ لَهُ : مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بَعَثَ فِيكُمْ؟ فَيَقُولُ : هُوَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولَانِ لَهُ : وَ مَا عِلْمُكَ؟ فَيَقُولُ : قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَمَنْتُ بِهِ صَدَقْتَ، فَيُنَادِي مُنَادٍ فَيَا السَّمَاءُ : أَنْ صَدَّقَ عَبْدِي فَا فَرَشُوهُ مِنْ الْجَنَّةِ، وَ أَلْبَسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ افْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ، قَالَ : فَيَأْتِيهِ مِنْ رُوحِهَا وَ طَيِّبِهَا، وَ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرَهُ، قَالَ : وَ يَأْتِيهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الثِّيَابِ، طَيِّبُ الرِّيحِ،

فيقول : أبشر بالذى يسرك هذا يومك الذى كنت توعده. فيقول له : من أنت؟ فوجهك الوجهه يجىء بالخير؟ فيقول : أنا عمك الصالح، فيقول : رب أقم الساعة حتى أرجع إلى أهلى و مالى.

قال : و إن العبد الكافر إذا كان فى انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة، نزل إليه من السماء ملائكة سود الوجوه، معهم السموح، فيجلسون منه مد البصر، ثم يجى ملك الموت حتى يجلس عند رأسه، فيقول : أيتها النفس الخبيثة، أخرجى إلى سخط من الله و غضب، قال : فتفرق فى جسده فينتزعها كما ينتزع السفود من الصوف المبلول فيأخذها، فإذا أخذها، لم يدعوها فى يده طرفة عين حتى يجعلوها فى تلك السموح، و يخرج منها كأنتن ريح جيفة وجدت على وجه الأرض، فيصعدون بها فلايمرون بها على ملامن الملائكة إلا قالوا : ما هذا الروح الخبيث؟ فيقولون فلان بن فلان بأقبح أسمائه التى كان يسمى بها فى الدنيا، حتى ينتهى به إلى السماء الدنيا، فيستفتح له فلا يفتح له، ثم قرأ

رسول الله ﷺ :
(لا تفتح لهم أبواب السماء و لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل فى سم الخياط) فيقول الله عزوجل : اكتبوا كتابه فى سجين فى الأرض السفلى فتطرح روحه طرحاً، ثم قرأ : (و من يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه الطير أو تهوى به الريح فى مكان سحيق) فتعاد روحه فى جسده و يأتیه ملكان فيجلسانه فيقولان له : من ربك؟ فيقول : هاه هاه لا أدرى. فيقولان له : ما دينك؟ فيقول هاه هاه، لا أدرى. فيقولان له : ما هذا الرجل الذى بعث فيكم؟ فيقول : هاه هاه لا أدرى. فينادى مناد من السماء : أن كذب فافرشوا له من النار، و افتحوا له بابا إلى النار، فيأتيه من حرها و سمومها، و يضيق عليه قبره حتى تختلف فيه أضلاعه، و يأتیه رجل قبيح الوجه، قبيح الثياب، منتن الريح، فيقول : أبشر بالذى يسوك، هذا يومك الذى كنت توعده، فيقول : من أنت فوجهك الوجهه يجىء بالشر؟ فيقول : أنا عمك الخبيث. فيقول : رب لا تقم الساعة. - و فى رواية : ثم يقبض له أعمى أصم أبكم، و فى يده مرزبة لو ضرب بها جبل كان تراباً، فيضربه ضربة حتى يصير تراباً، ثم يعيده الله كما كان فيضربه ضربة أخرى، فيصيح صيحة يسمعه كل شىء إلا ^[703]الثقلين) «همراه پیامبر ﷺ با جنازه مردى از انصار خارج شديم تا به قبر رسيديم در حالیکه هنوز لحد آمده نشده بود، پیامبر ﷺ نشست، ما هم (آرام و ساکت) دور او نشستيم، مثل اينکه بالای سرمان پرنده بود، و در حالی که چوبى در دست داشت و آن را بر زمین می‌کوبید، سرش را بلند کرد و دو یا سه بار فرمود، از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، سپس فرمود : وقتی که بنده مؤمن در حال بریدن از دنیا و رو کردن به آخرت است فرشتگانی که صورتهایشان سفید و مانند خورشید (درخشان) است، و کفنى از کفن‌های بهشت و حنوطى (هر چیز خوشبویى که به جسد می‌زنند) از حنوطهای بهشت به همراه دارند، از آسمان به سوى او می‌آیند و تا جایی که چشم، توانایی دیدن دارد ملائکه کنار او می‌نشینند، سپس ملک الموت u می‌آید و کنار سرش می‌نشیند و می‌گوید : ای روح پاک! به سوى مغفرت و رضوان الهی خارج شو، پیامبر ﷺ فرمود : پس روح مانند قطره‌ای که از لبه مشک آب می‌چکد، خارج می‌شود و ملک الموت آن را می‌گیرد، وقتی آنرا گرفت، لحظه‌ای در دستش نمی‌ماند که فوراً (سایر ملائکه‌ها) آن را می‌گیرند و در آن کفن و بوی خوش قرار می‌دهند و از آن روح بویی خوشتر از بهترین مسک روی زمین خارج

می‌شود، پیامبر r فرمود : او را بالا می‌برند و از کنار هر گروهی از ملائکه که می‌گذرند می‌پرسند : این روح پاک کیست؟ می‌گویند : فلانی پسر فلانی است، و او را با بهترین نامهایی که در دنیا داشته، مورد خطاب قرار می‌دهند، تا اینکه او را به آسمان دنیا می‌رسانند، برای او طلب باز شدن دروازه آسمان می‌کنند، دروازه بر آنها باز می‌شود و از هر آسمانی تا آسمان بعدی مقربان (بین دو آسمان) او را همراهی می‌کنند تا به آسمان هفتم برده می‌شود، خداوند عزوجل می‌فرماید : نامه عمل بنده‌ام را در میان نامه اعمال نیکوکاران بنویسید و او را به زمین بازگردانید. که من آنها را از (خاک) زمین آفریده‌ام و به آن باز می‌گردانم و بار دیگر آنها را از آن خارج می‌کنم، پیامبر r فرمود : روحش به جسدش بازگردانده می‌شود و دو ملائکه (نکیر و منکر) نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: پروردگارت کیست؟ جواب می‌دهد: پروردگارم الله است، از او می‌پرسند: دینت چیست؟ جواب می‌دهد : دینم اسلام است، از او می‌پرسند این مردی که از میان شما مبعوث شد کیست؟ جواب می‌دهد : او فرستاده خدا است، از او می‌پرسند از کجا می‌دانی؟ جواب می‌دهد : کتاب خدا را خواندم و به آن ایمان آورده و آن را تصدیق کردم. در این زمان ندادنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد بنده‌ام راست گفت؛ پس از فرش بهشت برای او پهن کنید و از لباس بهشت او را بپوشانید و برای او دری از بهشت باز کنید. پیامبر r فرمود : نسیم و بوی خوش بهشت به مشام او می‌رسد و قبرش به اندازه دید چشمش وسعت پیدا می‌کند. (پیامبر r) فرمود : سپس مردی زیباروی با لباسی زیبا و بویی خوش نزد او می‌آید و می‌گوید، مژده باد تو را به چیزی که خوشحالت می‌کند. این همان روزی است که به تو وعده داده شده بود پس به آن مرد می‌گوید : تو کیستی؟ صورت تو مانند صورت کسی است که پیام‌آور نیکی است. (آن مرد) می‌گوید من عمل صالح تو هستم. (بنده مؤمن) می‌گوید : پروردگار! قیامت را برپا کن تا به سوی اهل و مالم برگردم.

(پیامبر r) فرمود : و هنگامیکه بنده‌ی کافر در حال بریدن از دنیا و انتقال به آخرت است، ملائکه‌هایی از آسمان به سوی او پایین می‌آیند که صورتشان سیاه است، پارچه‌هایی بافته شده از مو (با الیاف زبر و درشت) به همراه دارند و تا چشم قدرت دیدن دارد ملائکه اطراف او را می‌گیرند، سپس ملک الموت می‌آید و کنار سرش می‌نشیند و می‌گوید : ای روح خبیث! به سوی خشم و عذاب خدا خارج شو، (پیامبر r) فرمود : روح در جسد او پراکنده و متفرق می‌شود، و ملک الموت روحش را مانند کشیدن سیخ خاردار از پشم خیس بیرون می‌آورد همینکه آن را بیرون آورد لحظه‌ای در دستش باقی نمی‌ماند بلکه فوراً آنرا در آن پارچه‌های بافته شده از مو (با الیاف زبر و درشت) قرار می‌دهند، در حلیکه بویی بدتر از گندیده‌ترین لاشه روی زمین از آن خارج می‌شود، روحش را بالا می‌برند، از کنار هیچ گروهی از ملائکه عبورش نمی‌دهند مگر اینکه می‌گویند این روح خبیث کیست؟ می‌گویند : فلانی پسر فلانی است و با زشت‌ترین نامهایی که در دنیا داشته او را مورد خطاب قرار می‌دهند تا اینکه به آسمان دنیا برده می‌شود، آنگاه برای او طلب باز شدن دروازه آسمان می‌کنند، ولی دروازه را بر او باز نمی‌کنند، سپس پیامبر r این آیه را تلاوت کرد :

(لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ)
(الأعراف: 40).

«درهای آسمان به روی آنها باز نمی‌گردد و به بهشت وارد نمی‌شوند تا اینکه شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد».

خداوند متعال می‌فرماید : نامه عمل او را در میان بدکاران در زمین سفلی بنویسید، پس روح او پرت می‌شود؛ سپس (پیامبر r) این آیه را خواند :

(وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ) (حج: 31).

«هر کس که برای خدا شریکی قرار دهد انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضيض کفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان تکه‌های بدن او را می‌ربانید یا اینکه تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند».

سپس روحش به جسدش بازگردانده می‌شود و دو ملائکه (نکیر و منکر) او را می‌نشانند و از او می‌پرسند : پروردگارت کیست؟ جواب می‌دهد : هاه! هاه! نمی‌دانم از او می‌پرسند دینت چیست؟ جواب می‌دهد : هاه! هاه! نمی‌دانم، از او می‌پرسند این مردی که در میان شما مبعوث شد کیست؟ جواب می‌دهد : هاه! هاه! نمی‌دانم، در این حال ندادنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که : دروغ گفت؛ پس فرشی از آتش برای او پهن و دری از آتش برای او باز کنید، از گرما و حرارت جهنم به سوی او می‌آید و قبرش بر او تنگ می‌شود به طوری که استخوان‌های سینه‌اش در هم شکسته می‌شود و مردی با رویی زشت و لباسی قبیح و بویی بد نزد او می‌آید و می‌گوید : مژده باد تو را به چیزی که تو را ناراحت می‌کند، این همان روزی است که به تو وعده داده شده بود، (آن شخص کافر) می‌گوید : تو کیستی؟ صورت تو مانند صورت کسی است پیام‌آور شر است. (آن مرد) می‌گوید من عمل خبیث تو هستم، (شخص کافر) می‌گوید : پروردگارا قیامت را برپا مکن.

در روایتی آمده که : سپس خداوند کور و کر و لالی را برای او مأمور می‌کند که عصایی آهنی در دست دارد که اگر با آن به کوه زده شود آن را به خاک تبدیل می‌کند، با آن ضربه‌ای به او می‌زند تا به خاک تبدیل شود سپس خداوند او را به حالت اول باز می‌گرداند، سپس ضربه‌ای دیگر به او می‌زند و فریادی می‌کشد که غیر از جن و انس هر چیزی آن را می‌شنود».

فهرست

تعزیه:

تعزیه اهل میت با کلماتی که گمان می‌رود موجب تسلیت آنها شده و اندوه آنان را از بین می‌برد و آنها را به رضا و صبر توصیه می‌کند، مشروع است. و باید با کلماتی که از پیامبر r ثابت شده‌اند، به اهل میت تسلیت گفته شود، و اگر چیزی از پیامبر r در این زمینه در ذهن نداشت، باید با هر سخن نیکویی که مخالفتی با شرع نداشته و هدف را تحقق بخشد، به آنها تسلیت بگوید :

از أسامه بن زید روایت است : **(كنا عند النبي r فأرسلت إليه إحدى بناته تدعوه و تخيره أن صبيا لها أو ابنا لها في الموت، فقال رسول الله r ارجع إليها فأخبرها : أن الله ما أخذ، و له ما أعطى، و كل شي عنده بأجل مسمى، فمرها فلتصبر و لتحتسب...)** [704] «نزد پیامبر r بودیم که یکی از دخترانش (زینب) کسی را به دنبال او فرستاد تا او را طلب کند و به او اطلاع دهد که بچه یا(*) پسر زینب در حال مرگ است. پیامبر r فرمود به سوی او برگرد و به او بگو : آنچه خدا می‌گیرد و آنچه بخشیده، ملک اوست و هر چیزی نزد او اجلی معین دارد و به او بگو صبر کند و طلب ثواب کند.»

لازم است (که در امر تعزیه) از دو چیز دوری شود، اگرچه مردم بر انجام آنها حریص باشند :

یکی تجمع برای تعزیه در مکانی مخصوص مانند خانه یا مقبره یا مسجد.

دیگری درست کردن غذا از طرف اهل میت برای پذیرایی از کسانی که به عزاداری می‌آیند : به دلیل حدیث جریر بن عبدالله بجلي t :

(كنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت، وصنيفة الطعام بعد دفنه من النياحة) [705] «ما جمع شدن نزد اهل میت و درست کردن غذا (برای مردم) بعد از دفن میت را از نياحت (سوگواری و نوحه‌خوانی) می‌دانستیم.»

سنت آن است که نزدیکان و همسایگان میت برای خانواده میت غذایی درست کنند و آنها را سیر کند؛ به دلیل حدیث عبدالله بن جعفر t : وقتی که جعفر کشته شد و جنازه او را آوردند، پیامبر r فرمود : **(اصنعوا لآل جعفر طعاماً، فقد أتاهم أمر يشغلهم، أو أتاهم ما يشغلهم)** [706] «برای خانواده جعفر غذایی درست کنید؛ چون کاری برایشان پیش آمده که آنها را مشغول کرده است یا (فرمود) چیزی برایشان پیش آمده که آنها را مشغول کرده است.»

فهرست

آنچه به میت نفع می‌رساند:
میت در چند مورد از عمل دیگران نفع می‌برد

1- دعای مسلمانان برای او: به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (حشر : 10)

«و کسانی که پس از مهاجرین و انصار می‌آیند می‌گویند : پروردگارا، ما را و برداران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

و به دلیل فرموده پیامبر r : (دعوة المراء المسلم لأخيه بظهر الغيب مستجابة، عند رأسه ملك موكل، كلما دعا لأخيه بخير قال الملك الموكل به : آمين و لك بمثل) [707] «دعای انسان مسلمان برای برادرش در غیاب او مستجاب می‌گردد، (چون) در کنار سرش فرشته‌ای مأمور شده، که هر وقت برای برادرش دعای خیر کند می‌گوید، آمین و مانند همین دعا برای تو باشد.»

2- پرداخت کردن قرض میت، از طرف هر کسی که باشد: چون قبلاً بیان شد که ابوقتاده دو دینار را بجای میت پرداخت کرد.

3- قضای نذر از میت، روزه باشد یا غیر روزه : به دلیل حدیث سعد بن عباده : (أنه استفتی رسول الله r فقال : إن أمي ماتت و عليها نذر؟ فقال : اقضه عنها) [708] «از پیامبر r سؤال کرد و گفت : مادرم در حالی فوت کرد که بر او نذری بود؟ پیامبر r فرمود آن را به جای او ادا کن.»

4- اعمال صالحی که فرزند صالح انجام می‌دهد:

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (نجم : 39)

«و اینکه برای هر انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود برای آن تلاش نموده است.»

و پیامبر r می‌فرماید : (إن أطيب ما أكل الرجل من كسبه، و إن ولده من كسبه) [709] «پاکترین و بهترین چیزی که انسان می‌خورد این است که از کسبش باشد و فرزند انسان هم از کسب او است.»

5- صدقات جاریه و اعمال صالحی که از خود برجای می‌گذارد:

از ابوهریره^t روایت است که پیامبر^r فرمود: (إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ)^[710] «وقتی که انسان می‌میرد عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که مورد استفاده دیگران قرار می‌گیرد، و ولد صالحی که برای او دعا می‌کند».

فهرست

زیارت قبور:

زیارت قبور بمنظور پند گرفتن و یادآوری آخرت مشروع است، به شرط اینکه در قبرستان چیزی که موجب غضب خداوند متعال شود مانند خواستن از صاحب قبر و به کمک طلبیدن او مانند اینها نگویید. از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر^r فرمود: (إِنِّي نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةً، وَ لَا تَقُولُوا مَا يَسْخَطُ الرَّبَّ)^[711] «من (قبلاً) شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ولی (الآن می‌گویم): به زیارت قبور بروید؛ چون در آن عبرت است و چیزی نگویید که خشم خدا را برانگیزد».

زیارت قبور برای زنان هم جایز است؛ چون زنان هم در علت زیارت قبور (پند گرفتن و یادآوری آخرت) با مردان شریک هستند و به دلیل آنچه قبلاً درباره دعای هنگام زیارت قبور گفته شد که عایشه از پیامبر^r سؤال کرد وقتی قبور را زیارت می‌کند چه دعایی بخواند پیامبر هم به او یاد داد که چه دعایی بخواند و او را (از زیارت) نهی نکرد و فرمود که زنان حق زیارت قبور را ندارند.

فهرست

اعمالی که در کنار قبور حرام است:

1- ذبح برای رضای خدا: به دلیل فرموده پیامبر^r: (لَا عَقْرَ فِي الْإِسْلَامِ) «عقر (ذبح بر قبر) در اسلام نیست».^(*)

عبدالرزاق ابن همام گوید: (كَانُوا يَعْقِرُونَ عِنْدَ الْقَبْرِ بَقْرَةً أَوْ شَاةً)^[712] «آنان (اهل جاهلیت) گاو یا گوسفندی را کنار قبر سر می‌پریدند».

2-6- چیزهایی که در حدیث زیر نهی شده است: از جابر^t روایت است: (نهی رسول الله^r أَنْ يَجْصَصَ الْقَبْرَ، وَ أَنْ يَقْعُدَ عَلَيْهِ، وَ أَنْ يَبْنِيَ عَلَيْهِ أَوْ يَزَادَ عَلَيْهِ، أَوْ يَكْتَبَ عَلَيْهِ)^[713] «پیامبر^r از گچ‌کاری قبر و نشستن و بنا کردن روی آن و بلند کردن بیش از حد شرعی، و از نوشتن روی آن، نهی کرده است».

7- نماز خواندن روبروی قبر: به دلیل فرموده پیامبر r: (لاتصلوا إلى القبور...) [714] «رو به قبور نماز نخوانید».

8- نماز خواندن کنار قبور اگرچه بدون رو کردن به آن باشد: از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود:

(الأرض كلها مسجد إلا المقبرة و الحمام) [715] «می‌توان روی تمام زمین نماز خواند بجز مقبره و حمام».

9- ساختن مسجد روی قبر: از عایشه و عبدالله بن عباس روایت است: (لما نزل برسول الله r طفق يطرح خميصة له على وجهه، فإذا اغتم بها كشفها عن وجهه فقال: و هو كذلك، لعنة الله على اليهود و النصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد، يحذر ما صنعوا) [716] «وقتی پیامبر r مریض شد (بیماری و فاتش) پارچه‌ای روی صورتش کشید، هرگاه اذیت می‌شد آن را از صورتش برمی‌داشت در همان حال فرمود: لعنت خدا بر یهود و نصاری باد که قبرهای پیامبران را به مسجد تبدیل کردند، از آنچه آنها کردند (مسلمانان را) بر حذر می‌داشت».

از عایشه (رض) روایت است: پیامبر r در بیماری‌ای که از آن بهبود نیافت فرمود: (لعن الله اليهود و النصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد، قالت فلولا ذلك أبرز قبره غير أنه خشي أن يتخذ مسجدا) [717] «خداوند یهود و نصاری را لعنت کند؛ (چراکه) قبور پیامبران را مسجد قرار دادند. (عایشه) گفت: اگر این نبود، قبرش را آشکار می‌کردند، اما بیم آن داشت که مسجد قرار داده شود».

10- تبدیل کردن قبرستان به محل برگزاری اعیاد و رفتن به قبرستان در اوقات معین و مناسبت‌های معروف به قصد عبادت نزد قبور یا غیر آن: به دلیل حدیث ابوهریره از پیامبر r که فرمود: (لاتتخذوا قبری عيدا، و لاتجعلوا بيوتكم قبورا، و حيثما كنتم فصلوا على فإن صلاتكم تبلغني) [718] «قبر مرا به (محل برگزاری) اعیاد قرار ندهید، و خانه‌هایتان را قبرستان نکنید و هر جا بودید بر من صلوات بفرستید؛ چون صلوات شما بر من می‌رسد».

13- شکستن استخوان میت: به دلیل فرموده پیامبر r: (إن كسر عظم المؤمن ميتا مثل كسره حيا) [719] «شکستن استخوان میت مؤمن مانند شکستن استخوانش در حال حیات است».